

چشم انداز زندگی

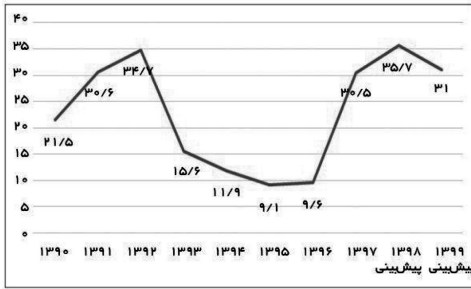
حسین ملایی

اگر به سراغ نوجوانان و جوانان امروز جامعه‌مان برویم و از آنها سؤال کنیم چه افقی برای زندگی خود در سال‌های پیش رو ترسیم می‌کنند، چه پاسخی می‌دهند؟ به عبارت دیگر نگرش آنان نسبت به آینده‌ای که می‌خواهند در آن زندگی کنند، چیست؟ آیا نسبت به آینده خود و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند خوشبین و امیدوارند یا بدبین و ناامید؟ آیا بهبود و پیشرفت و دستیابی به آرزوهای خود را محتمل می‌دانند یا ناممکن؟ آیا استفاده از فرصت‌های رشد و تعالی در جامعه برای رسیدن به ثروت، منزلت و قدرت را برابر و ممکن می‌دانند یا نابرابر و غیرممکن؟ و آیا ...

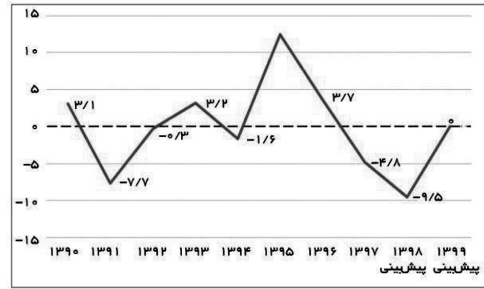
امروزه همه اهل مطالعه و نظر با شاخصی به نام «امید به زندگی» آشنایی دارند. این شاخص که یکی از شاخص‌های جهانی برای رتبه‌بندی توسعه‌یافتگی کشورها به‌شمار می‌رود نشان‌دهنده آن است که در هر کشور یک نوزاد در بدو تولد چند سال امکان حیات و زندگی دارد. از زمانی که این شاخص تعریف و بنیان نهاده شد، کشورهای جهان تلاش کردند با فراهم آوردن امکانات زیستی و بهداشتی بیشتر و بهتر، به‌ویژه برای دهک‌های پایین درآمدی، امکان حیات و زندگی بیشتر را به‌ویژه برای شهروندان خود دامن زنند تا در رده‌بندی جهانی رتبه بهتری را به خود اختصاص دهند. برپایه گفته مدیرکل دفتر جمعیت مرکز آمار ایران متوسط طول عمر یا همان شاخص امید به زندگی از ۵۹ سال در اوایل انقلاب به ۷۴ سال رسیده که ۷۵/۵ سال برای خانم‌ها و ۷۲/۵ سال برای آقایان است. ایران در آخرین گزارش سازمان بهداشت جهانی در رتبه‌بندی این شاخص در میان ۱۹۳ کشور رتبه ۱۰۶ را دارد. برپایه این گزارش شاخص «امید به زندگی» برای زنان ۷۵ و برای مردان ۷۲ سال بوده است. یعنی هر نوزادی که اکنون پا به عرصه حیات در خانواده‌های ایرانی بگذارد، اگر دختر باشد ۷۵ و اگر پسر باشد ۷۲ سال «امید به زندگی» برایش وجود دارد و می‌تواند امیدوار باشد که به این سن دست یابد. اما سؤال مهمتر این است که با این «امید به زندگی» محتوا و کیفیت زندگی شهروندان ایرانی چگونه خواهد بود؟ و هر فرد چه افقی را برای محتوا و کیفیت زندگی خود می‌تواند متصور باشد؟ و به‌ویژه در دوران نوجوانی و جوانی که افراد خطوط اصلی زندگی آینده و در پیش رویشان را ترسیم و در مسیر آن به حرکت در می‌آیند، چقدر امیدوار به تحقق آنچه ترسیم کرده‌اند، هستند؟

نتایج برخی پیمایش‌ها و نظرسنجی‌ها هم در خصوص نگرش جوانان نسبت به آینده نیز نشان می‌دهد که در پیمایش «سرمایه اجتماعی» (۱۳۸۵) حدود ۴۴ درصد جوانان معتقد بودند وضعیت آینده جامعه بهتر خواهد شد و حدود ۳۱ درصد گفته بودند آینده کشور بدتر خواهد شد. نگرش جوانان در سال ۹۳ وفق نظرسنجی ایسپا تغییر می‌کند، یعنی ۴۴ درصد جوانان معتقد بودند وضعیت کشور روز به روز بدتر می‌شود و فقط ۴۷ درصد معتقد بودند وضع کشور رو به بهبود است که امید آنها به بهبود وضعیت کشور در مقایسه با سال ۸۵، کاهش ۱۷ درصدی دارد. با همین روند میزان امیدواری جوانان به بهبود وضعیت کشور در آخرین پیمایش سال ۹۷ به پایین‌ترین سطح می‌رسد و بیش از نیمی از آنها (۶۴/۱ درصد) اظهار داشته‌اند وضعیت کل کشور روز به روز بدتر می‌شود. بنابر یافته‌های پیش‌گفته، مشاهده می‌شود که جوانان ایرانی نگرش مثبتی نسبت به آینده ندارند. تغییر نگرش جوانان نسبت به آینده کشور در مقایسه با دهه گذشته قابل توجه و تأمل است، یعنی اگر در اواسط دهه ۸۰، ۳۰ درصد نسبت به آینده بدبین بودند، در شرایط کنونی این میزان تقریباً دو برابر شده است. بدیهی است وقتی در جامعه‌ای مسائل اجتماعی و اقتصادی از قبیل تبعیض، توزیع ناعادلانه درآمدها و فرصت‌ها، بی‌ثباتی اقتصادی، گرانی و تورم، فرسایش سرمایه اجتماعی به‌ویژه بعد اعتماد نهادی، مخاطرات زیست‌محیطی، انواع ناهنجاری‌های اجتماعی و... وجود داشته باشد، در چنین جامعه‌ای نمی‌توان انتظار داشت جوانان و نسل‌های آینده، یک زندگی همراه با آسایش، امید، شادمانی و احساس خوشبختی را در آینده نزدیک انتظار بکشند.

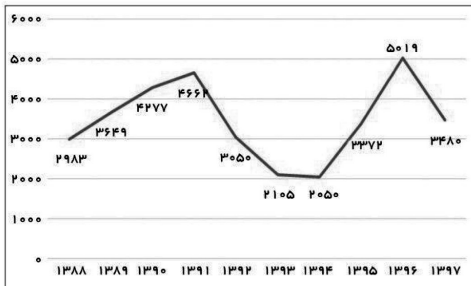
بر پایه آخرین گزارشی که از وضعیت اقتصادی کشور انتشار یافته است، نرخ رشد اقتصادی در سال ۱۳۹۷ منهای ۸/۴ درصد بوده و در سال ۱۳۹۸ بالغ بر منهای ۹ درصد شده است. نرخ تورم نیز از ۳۰/۵ درصد در سال ۱۳۹۷ به ۳۵/۷ درصد و نرخ بیکاری از ۱۴/۵ درصد به ۱۶/۸ درصد افزایش یافته است. میزان سرمایه‌گذاری خارجی نیز از سال ۱۳۹۶ روند کاهشی داشته است. سرجمع این وضعیت کاهش میانگین درآمد سرانه شهروندان ایرانی بوده است. میانگین درآمد سرانه مردم جهان در ۱۰ سال گذشته حدود ۲۸ درصد رشد کرده اما درآمد سرانه مردم ایران در این دوره نه تنها رشد نکرده، بلکه نزدیک دو درصد کمتر شده است، به‌گونه‌ای که دهه ۹۰ را برای جامعه ایران باید دهه از دست رفته دانست. دهه‌ای که در سیاهچاله ابرچالش‌های اقتصادی اجتماعی گم شده و به واسطه سیاست‌گذاری غلط اقتصادی از یک سو و دو رخداد تشدید تحریم‌های بین‌المللی در سال‌های ۹۰ الی ۹۴ و تحریم‌های یک‌جانبه دولت آمریکا پس از اعلام خروج از قرارداد برجام از ۹۶ تاکنون از سوی دیگر گریبانگیر اقتصاد کشور شده است. بر اساس گزارش بانک بین‌المللی بازاری و توسعه، ایران در گزارش جهانی سهولت



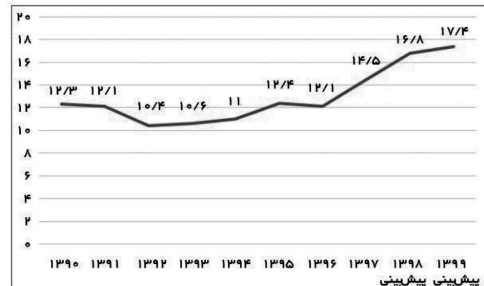
▲ نمودار ۲- نرخ تورم میانگین ایران در دهه ۹۰ (درصد)



▲ نمودار ۱- رشد اقتصادی ایران در دهه ۹۰ (درصد)



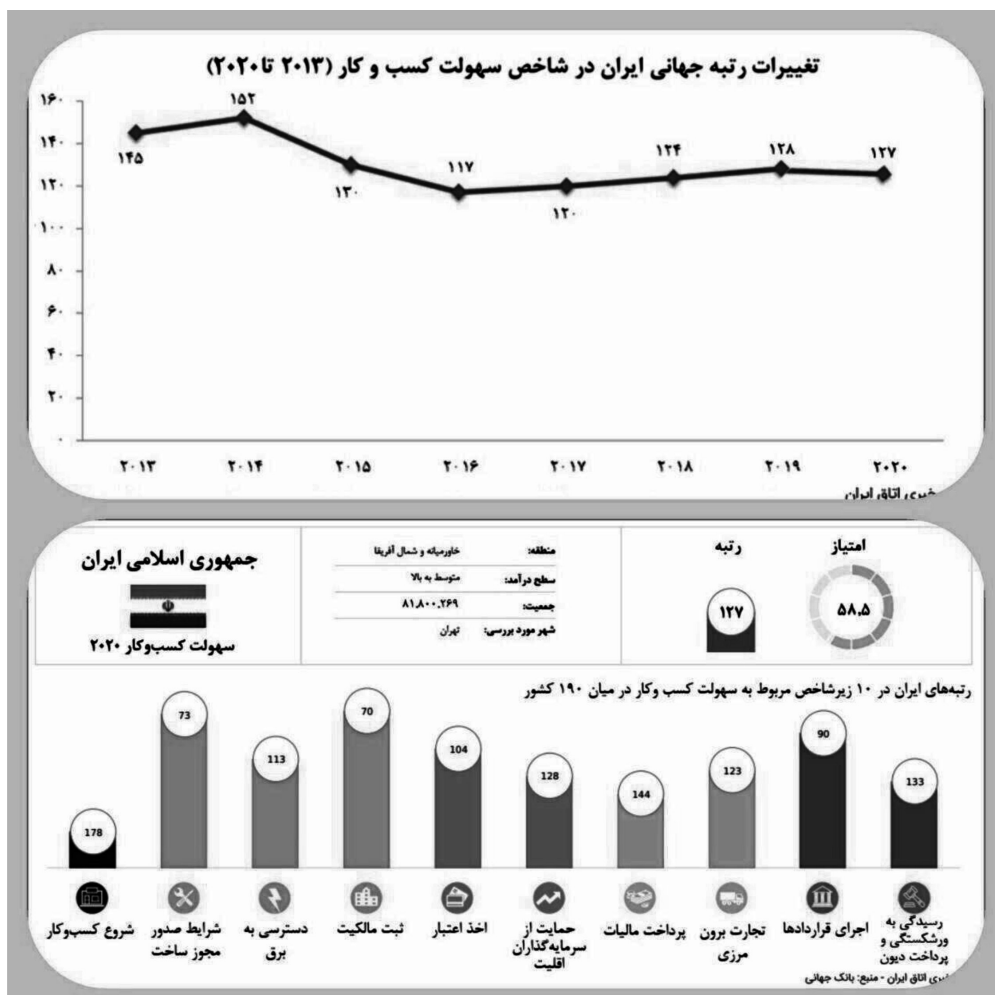
▲ نمودار ۴- سرمایه‌گذاری خارجی در ایران طی یک دهه اخیر (میلیون دلار)



▲ نمودار ۳- نرخ تجاری ایران در دهه ۹۰ (درصد)

کسب‌وکار ۲۰۲۰ با کسب ۵۸/۵ امتیاز از ۱۰۰ امتیاز ممکن در میان ۱۹۰ کشور در رتبه ۱۲۷ جهان قرار گرفته است؛ رتبه‌ای که اگرچه چندان قابل قبول به نظر نمی‌رسد، اما بهبود یک‌پله‌ای آن را در شرایطی که اقتصاد ایران زیر فشار تحریم‌های یک‌جانبه آمریکاست، می‌توان نکته امیدوارکننده‌ای قلمداد کرد. شاخص سهولت کسب‌وکار از ۱۰ زیرشاخص شامل «شروع کسب‌وکار»، «شرایط صدور مجوز ساخت»، «دسترسی به برق»، «ثبات مالکیت»، «اخذ اعتبار»، «حمایت از سرمایه‌گذاران اقلیت»، «پرداخت مالیات»، «تجارت برون‌مرزی»، «اجرای قراردادهای» و «رسیدگی به ورشکستگی و پرداخت دیون» تشکیل شده است که امتیاز کشورها در هر یک از این زیرشاخص‌ها با توجه به فاصله آنها از سطح ایده‌آل (امتیاز ۱۰۰) محاسبه گردیده است. ملاحظه می‌شود در این شاخص که در واقع نشان‌دهنده وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشور برای کارآفرینی و سرمایه‌گذاری و رونق بخشی به کسب و کار در جامعه است، فاصله چشمگیری با وضعیت مساعد و مطلوب وجود دارد.

با توجه به آنچه آمد، باید دانست «چشم‌انداز زندگی» شاخصی است که در پاسخگویی به این وضعیت مطرح می‌شود و البته شاخصی کیفی و نه کمی است. شاخصی است که از درون نگرش و رفتار شهروندان هر کشوری و با تکیه بر نظرسنجی‌های علمی می‌توان آن را به‌طور نسبی دریافت و با تکیه بر آن به تحلیل وضعیت موجود و اصلاح آن پرداخت. اصلی‌ترین مؤلفه در



این باره حس شهروندان نسبت به «عدالت» است، و یکی از اصلی‌ترین زمینه‌های تحقق «عدالت» در هر جامعه‌ای، که امروزه کمترین اختلافی درباره آن میان نظریه‌پردازان اقتصادی و اجتماعی وجود ندارد، ایجاد فرصت‌های برابر برای شهروندان در عرصه اجتماع برای رشد و تعالی است. اگر دستیابی به ثروت، منزلت، قدرت و زندگی بهتر را انگیزه اصلی فعالیت‌ها و تلاش انسان‌ها بدانیم، در این مسیر آیا همه شهروندان از فرصت‌های برابر برخوردارند؟ و «چشم‌انداز زندگی» برای شهروندان امیدوارکننده است؟

این را می‌دانیم که «چشم‌اندازهای زندگی» افراد متأثر از سه نوع امکان هستند:

۱- طبقه اجتماعی خاستگاه شهروندان: طبقه‌ای که در آن به دنیا می‌آیند و تا سن بلوغ عقلانی در آن پرورش می‌یابند.

۲- مواهب فطری شهروندان (در مقایسه با مواهب بالفعل آنها) و فرصت‌های ایشان برای پرورش این مواهب که متأثر از طبقه اجتماعی خاستگاه آنهاست.

۳- بخت و اقبال مساعد یا نامساعد، یا فرصت‌های خوب یا بد شهروندان در جریان زندگی (چگونگی متأثر شدن آنها از بیماری و تصادف، و فرضاً از ادوار بیکاری غیرارادی و رکود اقتصادی).

ملاحظه می‌شود که حتی در شرایط یک جامعهٔ بسامان و عادلانه نیز «چشم‌اندازهای زندگی» ما به شدت متأثر از امکان‌های اجتماعی، طبیعی و غیرمنتظره، و نیز نحوه‌ای است که ساختار اساسی جامعه و شیوهٔ حکمرانی، از راه ایجاد نابرابری‌ها، از این تحولات برای دستیابی به اهداف اجتماعی معین استفاده می‌کند. اما در عین حال نظام سیاسی مستقر باید بداند اگر از نابرابری‌هایی که بر اثر این امکان‌ها در «چشم‌اندازهای زندگی» شهروندان به وجود می‌آید غافل شود و اجازه دهد که این نابرابری‌ها تشدید شوند و نتواند سیاست‌ها و مقررات لازم را برای حفظ و ارتقای «عدالت» در جامعه وضع کند، آنگاه افراد با «چشم‌انداز زندگی» مثبت و امیدوارکننده‌ای روبه‌رو نخواهند بود، همچنان‌که در بالا به آن اشاره شد، و برشماری پیامدهای زیانبار تفصیلی آن برای کشور و نظام سیاسی مقالی دیگر می‌طلبد، اما زیانبارترین این پیامدها احساس «تبعیض» و «ناامیدی» از بهبود است که به شهروندان در عرصهٔ عمومی و ملی دست می‌دهد. وجه بارز این «تبعیض» و «ناامیدی»‌ها را می‌توان در تبعیض‌های شغلی، مذهبی، قومی، جنسیتی،... و سیل مهاجرت از کشور، مشاهده کرد.

برپایه آنچه آمد، هستهٔ اصلی برنامهٔ حاکمیت باید اصلاح همه‌جانبهٔ سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و اجتماعی و نحوهٔ تعامل با دیگر کشورها به منظور سامان‌بخشی به عملکرد اقتصاد کشور در جهت افزایش نرخ رشد اقتصادی و کاهش نرخ‌های تورم و بیکاری در مسیر تحقق «عدالت» در همهٔ ابعاد و جوانب زندگی باشد، به گونه‌ای که بتواند اعتماد قاطبهٔ شهروندان به رفع تدریجی انواع و اقسام «تبعیض»‌ها را فراهم آورد. سوگمندان وضعیت جاری اقتصادی و اجتماعی «چشم‌انداز زندگی» امیدوارکننده‌ای را به نمایش نمی‌گذارد، در این صورت آیا شهروندان ایرانی و به‌ویژه جوانان و نوجوانان با چشم‌اندازی تیره و تاریک برای آیندهٔ خود روبه‌رو نیستند؟ و آیا در پی رهایی از این وضعیت به هر طریق و شیوه‌ای برنخواهند آمد؟ و آیا... از این‌رو لازم است سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های انجام شده تاکنون توسط حاکمیت با یک بازنگری کامل تدوین و اجرایی شود و با ارزیابی سالیانه و سامانه‌ای سنجش‌گرانه، بتوان کاستی‌ها و قابلیت‌های برنامه‌ها و سیاست‌ها را سنجید و در برآیندی عملیاتی شاهد تغییر مثبت نگرش شهروندان نسبت به وضعیت «چشم‌انداز زندگی»‌شان شد.